

## زندگانی مولی‌الموحدين پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) تا دوران خلافت او

دکتر یدالله نصیریان<sup>۱</sup>

### چکیده

آنچه در این مقاله به نظر خوانندگان محترم می‌رسد مطالبی است که کمتر مورد بحث و تحقیق ارباب سخن و اهل قلم قرار گرفته است و با آنکه در طول تاریخ توسط دانشمندان اعم از محققان اسلامی و پیروان دیگر ملل و نحل، هزارها کتاب و مقاله در قالب شعر و نثر به زبان‌های مختلف پیرامون فضائل و مناقب و ویژگی‌های انسانی و اسلامی علی(ع) نوشته شده است، درباره زندگی شخصی و خانوادگی، کار و تلاش او در کسب معیشت از طریق احیاء اراضی موات در منطقه ینبع و تبدیل آن به نخلستان و غیره و استفاده از محصولات آنها در تأمین مخارج خاندان پرجمعیت خویش و اکرام و اطعام خانواده‌های بی‌بضاعت، نوشته‌ی روشنی تدوین نگردیده است، از این روی در این نوشتار پیرامون علی(ع) و منطقه ینبع، ایجاد اراضی کشاورزی با دست خود، حفر چاه و نشاندن نخل و فراهم ساختن مؤنه برای خانواده خود و

۱. استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

خاندانهای فقیر و نیز وصیت او در اواخر حیات خویش دربارهٔ اراضی ینبع بحث خواهیم کرد.

## واژگان کلیدی

ینبع، حفر چاه، اراضی بایر، دائر، آباد کردن، وصیت، وقف، صدقه.

### منطقهٔ ینبع و ارتباط علی(ع) با آن منطقه

چون عمدهٔ کار و فعالیت علی(ع) در منطقه ینبع بوده، آشنایی با آن واژه و این سرزمین لازم است.

**ینبع در لغت:** ابن منظور در لسان العرب ذیل این واژه می‌نویسد: «ینبع با فتح اول بر وزن یفعل از اصل و ریشهٔ نَبَعٌ مأخوذ است. نَبَعُ الْمَاءِ مِنَ الْعَيْنِ یعنی آب از چاه به خارج فوران کرد». ابن منظور سپس می‌گوید: «در حجاز بین مکه و مدینه ناحیه‌ای است که به نام ینبع معروف است و در آن منطقه نخلستان‌های بسیار وجود داشته و تعدادی از آن نخلستان‌ها، به خاندان علی(ع) تعلق داشته است»<sup>۱</sup>.

یاقوت حموی می‌نویسد: «ینبع منطفه‌ای است که بین مکه و مدینه واقع است و نام قریه‌ای است که حاجیان شامی هنگام سفر به مکه معظمه، از حوالی آن عبور می‌کنند و آنان که از مدینه به سمت و سوی دریا روند، ینبع در طرف چپ آنان قرار دارد». یاقوت سپس می‌افزاید: «این منطقه مدتها در دست بنی‌الحسن بن علی(ع) بوده است و ینبع در طرف چپ آنان قرار دارد». یاقوت سپس می‌افزاید: «این منطقه مدتها در دست بنی‌الحسن بن علی(ع) بوده است و ساکنان آن منطقه را اکثراً انصار مدینه منوره و قبیلهٔ جینه و طایفهٔ لیث تشکیل می‌دادند. در آن منطقه چاه‌ها و چشمه‌های فراوان با آب شیرین و گوارا وجود داشته و کسانی که از مدینه به سوی ساحل قلمز در حرکت باشند کوه رضوی در سمت راست آنان و فاصله کوه رضوی با منطقه ینبع یک روز راه است»<sup>۲</sup>.

فیروزآبادی در کتاب قاموس می‌نویسد: «ینبع بر وزن یَنْصُرُ و جمع آن ینابیع نام حصنی است که در آن چاه‌ها و چشمه‌ها و نخلستان‌ها و مزارع فراوان وجود داشته و حاجیان مصری

زندگانی مولی‌الموحدین پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) تا دوران خلافت او

۱. لسان العرب، ۳۴۶/۸.

۲. معجم البلدان، یاقوت، حرف (ی)، ج ۵.



هنگام عبور به سمت و سوی مکه از نزدیک آن حصن می‌گذشتند»<sup>۱</sup>.  
 ابواسحاق ابراهیم بن محمد تقفی کوفی اصفهانی (۲۸۳ ه.ق) در کتاب *غارات* می‌نویسد:  
 «به روایت زبیدی ینبع در عصر حاضر (عصر زبیدی) صقعی وسیع است و در میان مکه و مدینه  
 قرار دارد ولی از چاه‌ها و چشمه‌هایی که در صدر اسلام حفر گردیده و به جز نشانه‌هایی و آثاری  
 چیزی دیگر دیده نمی‌شود و بنا بر برخی از روایات در آن منطقه حدود یکصد و هفتاد چاه و  
 چشمه وجود داشته است و معروفترین چاه‌های آن منطقه چاه یا عین بغیغه، عین ابونیزر، عین  
 صفرا، عین خیف و عین نولاست. تقفی فاصله ینبع تا مدینه را هفت مرحله یا هفت منزل راه  
 نوشته است و کسانی که از مدینه به سوی قلزم می‌روند از ینبع عبور می‌کنند»<sup>۲</sup>.

طریحی در *مجمع البحرین* می‌نویسد: «منطقه ینبع از توابع مدینه و متعلق به قبیله  
 ذوالشُیبه بود. این منطقه به عنوان فئ به تصرف پیامبر اکرم (ص) درآمد و آن را بین سپاهیان  
 اسلام تقسیم فرمود و قطعه‌ای از اراضی آن را به علی (ع) اقطاع نمود و علی (ع) در آن زمین  
 چاهی حفر کرد که در مدتی کوتاه به آب رسید و چون آب از آن چاه با شدت به خارج فوران  
 کرد آن را به گردن شتر مانند کردند»<sup>۳</sup>.

ابن شُبّه پیرامون ینبع می‌نویسد: «اراضی ینبع به قبایل ذوالشُیبه تعلق داشت و هنگامی  
 که پیامبر اکرم (ص) برای دعوت مردم آن منطقه بدان سوی حرکت کرد مردم به استقبال از  
 پیامبر اکرم (ص) حرکت کردند و جنگ تبدیل به صلح گردید و قسمتی از اراضی ینبع به صورت  
 فئ در اختیار او قرار گرفت. پیامبر اکرم (ص) آن اراضی را بین برخی از اصحاب و سپاهیان اسلام  
 اقطاع فرمود». ابن شُبّه می‌نویسد: «عبدالعزیز بن عمران از واقد بن عبدالله جهنی از عموی  
 خود از جدش کُشد بن مالک جهنی روایت کرده که روزی دو تن از یاران پیامبر اکرم (ص)  
 یکی طلحه بن عبدالله و دیگری سعید بن زید که مأموریت داشتند قافله تجارتی ابوسفیان را  
 که از شام به مکه بازگشت زیر نظر گیرند. این دو تن بر کُشد بن مالک وارد گردیدند و کُشد  
 فرستادگان پیامبر اکرم (ص) را مورد عنایت و احترام قرار داد. از این روی چون پیامبر اکرم (ص)  
 منطقه ینبع را به عنوان فئ به تصرف خود درآورد، قسمتی از آن را به کُشد اقطاع فرمود تا  
 محبت‌هایی را به مأموران کرده بود جبران فرماید. کُشد عرض کرد: ای پیامبر (ص) من به  
 سنی رسیده‌ام که توان استفاده از این زمین را ندارم لذا تقاضا نمودم آن را به برادرزاده من اقطاع

۱. قاموس اللغة، حرف (ی).

۲. غارات، ۷۰۲-۷۰۱.

۳. مجمع البحرین، ۵/۵.





فرماید. پیامبر اکرم (ص) زمین را به برادرزاده کُشد مرحمت فرمود و شخصی به نام عبدالرحمان بن سعد بن زاره انصاری آن را به مبلغ سی هزار درهم خرید. ابن شیبه می‌افزاید: «روزی عبدالرحمان مذکور در حالی که از یبوع باز می‌گشت با علی (ع) مواجه گردید، علی (ع) به او فرمود: از کجا می‌آیی؟ عبدالرحمان پاسخ داد: از یبوع و در آن منطقه قطعه زمینی خریده‌ام ولی علاقه چندانی به نگهداری آن ندارم، چنانچه تمایل به خرید آن داشته باشید به شما واگذار می‌کنم. علی (ع) فرمودند: زمین را از شما خریدارم ولی مشروط به آنکه سودی بر آن مبلغی که خریده‌ای اضافه نکنی و به همان مبلغ که خریده‌ای به من بفروشی. عبدالرحمان پذیرفت و زمین را به علی (ع) واگذار کرد.<sup>۱</sup> به هر حال همانگونه که در منابع عیدیه ذکر گردیده است علی (ع) علاوه بر قطعه‌ای که از عبدالرحمان خرید، یک قطعه دیگر توسط عمر بن خطاب به او اقطاع گردید.<sup>۲</sup>

ابن شیبه در این زمینه می‌نویسد: «سلیمان بن هلال نقل کرده است که عمر بن خطاب قطعه‌ای از اراضی یبوع را به علی (ع) اقطاع کرد و خود آن بزرگوار نیز مقداری از اراضی آن منطقه را خریده و به آنچه به او اقطاع گردیده بود افزود و در آن اراضی به حفر چاه روی آورد و عمده کار و فعالیت علی (ع) بر روی آن اراضی، حفر چاه با دست خود و تبدیل اراضی آن منطقه به نخلستان و کشاورزی و صدقه قرار دادن درآمدهای آن بود.<sup>۳</sup>

معروف‌ترین چاهی که با دست مبارک خویش حفر فرمود چاه یا عین ابونیزر است. میرد در زمینه عین ابونیزر می‌نویسد: «ابونیزر گویند: روزی علی (ع) بر من وارد گردید در حالی که از دو مزرعه یا دو نخلستان مراقبت می‌کردم و فرمود: آیا غذایی نزد تو یافت می‌شود؟ عرض کردم: آنچه را برای خود آماده ساخته‌ام شایسته شما نیست زیرا غذایی بود که از گوشت و جربی فراهم گردیده بود و من می‌دانستم که علی (ع) با غذاهای ساده تغذیه می‌کنند. در عین حال فرمودند: اندکی از آن برای من بیاور و خود به کنار آبیگر رفتند و پس از شستن دستهای مبارک خود لقمه‌ای از آن غذا برگرفتند و پس از تناول دوباره دستهای خود را شستند و توصیه فرمودند که دست انسان پیوسته باید تمیز شود تا نظیف‌ترین ظرف برای غذا باشد. سپس فرمودند: معول (کلنگ) مرا بیاور و چون حاضر گردانیدم آن را برگرفتند و به درون چاه رفته و به حفر آن پرداختند و پس از مدتی از چاه خارج شدند و ضمن رفع خستگی و خشک کردن

۱. تاریخ مدینه، ۲۲۰/۱.

۲. غارات، ۷۰/۱۲؛ تاریخ مدینه، ۲۲۰/۱.

۳. همان، ۲۲۰/۱.

صورت مبارک از عرق دوباره به درون چاه رفته و به حفر آن ادامه دادند. این بار چاه به آب رسید و آب با شدت و همانند گردن شتر از چاه به خارج فوران کرد، علی(ع) با شتاب از چاه خارج گردید و فرمود: این چاه و درآمدی که از آن حاصل می‌شود صدقه است. ای ابونیزر کاغذ و دواتی بیاور تا شهادت دهم و اقرار کنم و صدقه بودن آن را بنویسم، من شتابان کاغذ و دوات حاضر کردم و او نوشت:

به نام خدا

دو چاه یکی عین یا چاه ابونیزر و دیگر چاه بغیغه و زمین‌هایی که توسط این دو چاه آبیاری می‌شوند صدقه است بر فقرای اهل مدینه و ابناء السبیل تا خداوند در ازاء این دو صدقه در روز قیامت مرا از آتش دوزخ حفظ فرماید.»

یاقوت حموی دربارهٔ ابونیزر می‌نویسد: «محمد بن یسار می‌گوید: ابونیزر از موالی علی(ع) بوده و از حیث نژاد و نسب فرزند پادشاه حبشه بود. از حبشه به حجاز رفت تا به آئین بگردد ولی در بین راه گرفتار افرادی گردید که او را به عنوان برده تصاحب کردند و به تاجری فروختند. علی(ع) او را از آن تاجر خرید و به خاطر سوابق نیکی که از محبت‌های پادشاه حبشه نسبت به مهاجرین اولیه مسلمانان می‌دانست، او را آزاد فرمود.» در روایتی دیگر می‌گوید: «پس از درگذشت پادشاه حبشه مردم آن سرزمین به مدینه رفتند تا او را به وطن خود بازگردانند و سلطنت آن دیار را به او واگذارند، وقتی به او دست یافتند گفت من نعمت اسلام را با هیچ مقام و منصبی تعویض نمی‌کنم.» یاقوت می‌گوید: «ابونیزر قامتی بلند داشته و با آنکه از نژاد حبشیان بود، چهره‌ای روشن داشت به گونه‌ای که هر که او را می‌دید او را از نژاد عرب می‌پنداشت. چنانکه در وصیت‌نامه علی(ع) خواهیم دید از دو چاه یا عین ابونیزر و عین بغیغه نامبرده شده است.»<sup>۱</sup>

از منابعی که با تفصیل بیشتر پیرامون منطقه ینبع و چاه‌های مربوط به علی(ع) بحث شده است، کتاب تاریخ مدینه تألیف ابن شُبّه (م. ۲۶۲هـ) است، وی می‌نویسد: «نخستین چاهی که علی(ع) حفر کرد و به آب رسید چاه بغیغه بود که چاهی پر آب و با فشار بوده چون می‌گوید آب مانند گردن شتر از آن فوران کرد.» ابن شُبّه می‌گوید: «وقتی به آب رسید علی(ع) گفت: این چاه و درآمد آن را صدقه دادم بر فقرا، ابناء سبیل اعم از دور و نزدیک، صدقه قرار دادم در راه در حالت جنگ و صلح، برای روزی که بندگان خدا برخی روی سفید و برخی روی سیاه



خواهند بود، روز قیامت، به آرزوی آنکه خداوند روی مرا از آتش دوزخ دور دارد»<sup>۱</sup>.  
 این شبه می‌افزاید: «فرزند حفص بن عمر از موالی علی(ع) به نقل از پدرش می‌گوید: چون علی(ع) بر ینبع اشراف پیدا کرد به کوه‌های اطراف آن منطقه نظر افکند و گفت: بر منطقه‌ای قدم نهادم که دارای آب گوارا و نظیف است»<sup>۲</sup>.

علی(ع) وقتی چاه مذکور را صدقه اعلام فرمود، گفت: آنچه را صدقه دادم نباید به کسی اهدا شود و نباید کسی آن را به عنوان میراث تصاحب کند تا آنکه خدایی که وارث زمین و مردم آن است آن را وارث شود.<sup>۳</sup> این شبه می‌افزاید: چاههای متعلق به علی(ع) متعدد و متفرق بود. از جمله چاه‌های او عین بحیر، عین ابونیزر و عین نولا که امروز (عصر راوی) عین عدّ نامیده می‌شود و این چاه نیز از چاه‌هایی است که علی(ع) با دست خود آن را حفر کرد،<sup>۴</sup> و مسجد النبی در نزدیکی این چاه است.<sup>۵</sup>

علی(ع) در ناحیه فدک نیز املاک داشت که آن منطقه را رعیه می‌گفتند و نخلستان‌های بسیار در آن بود. در همان ناحیه (فدک) ملکی داشت که آن را اسحن می‌نامیدند و بنی فزاره مدعی ملکیت آن بودند ولی امروز (ظاهراً عصر این شبه) در دست والیان و متصدیان صدقات است.<sup>۶</sup>

### خانواده علی(ع)؛ همسران و فرزندان و دیگر افراد تحت تکفل او

طبرسی در *اعلام الوری* به ذکر فرزندان و همسران علی(ع) پرداخته و می‌نویسد: «تعداد فرزندان علی(ع) را بیست و هفت تن از همسران مختلف به شرح زیر نوشته‌اند: حسن مجتبی(ع)، حسین شهید(ع)، زینب صغری مکناه به ام‌کلثوم، زینب کبری که مادرشان زهرای مرضیه فاطمه دختر پیامبر اکرم(ص) بود، محمد مکنی به ابوالقاسم و معروف به محمد حنفیه مادرش فوله دختر جعفر بن قیس. عباس، جعفر، عثمان و عبدالله از شهدای کربلا که مادرشان ام‌البنین دختر حزام بن خالد بود. عمر و رقیه که توأمان متولد گردیدند و مادرشان ام‌حیب

۱. تاریخ مدینه، ۲۲۰/۱.

۲. همان، ۲۲۱/۱.

۳. همان، ۲۲۱/۱.

۴. همان، ۲۲۱/۱.

۵. همانجا.

۶. تاریخ مدینه، ۲۲۵/۱.

دختر ربیعہ بودہ. محمدصغیر مکنی بہ ابوبکر و عبیداللہ کہ ہر دو در کربلا بہ شہادت رسیدند و مادرشان لیلی دختر مسعود دارمیہ بودہ است. یحیی مادرش اسماء دختر عمیس خنعمیہ بود و در کودکی قبل از شہادت علی(ع) وفات یافت. زملہ مادرش امسعید دختر عروہ بن مسعود ثقفی بودہ. نفیسہ مکنی بہ ام کلثوم صغری و زینب صغری و رقیہ صغری و امہانی و ام کرام و جمانہ مکنی بہ امّوامامہ و امسلمہ و میمونہ و فاطمہ کہ مادران آنان ام و کنیزان مختلف بودند»<sup>۱</sup>.

سیدمحسن امین در کتاب *اعیان الشیعہ* با استفادہ از منابع و مراجع عدیدہ از قبیل: *ارشاد شیخ مفید*، *مروج الذهب* مسعودی، *کامل ابن اثیر* و منابع معتبر بسیاری دیگر می نویسد: «فرزندان حضرت علی(ع) اعم از فرزندان ذکور و اناث، سی و سہ نفر بودہ است ولی آنچه مسلم است آنکہ تعداد فرزندان او، از بیست و نہ نفر کمتر نبودہ است و ممکن است اختلاف در ۲۹ و ۳۲ نفر مربوط بہ تعداد القاب و یا تعداد کنیہہا باشد یعنی ممکن است دو لقب یا دو کنیہ مربوط بہ فرد واحد بودہ باشد»<sup>۲</sup>.

با توجہ بہ کثرت فرزندان، کنیزان و غلامانی کہ در خانہ او می زیستند و با توجہ بہ مقام زہد و پرهیز حضرت علی(ع) از مصرف بیت المال اعم از دوران دوری و برکناری او از خلافت و دوران خلافت کہ شخصاً در تقسیم بیت المال اشراف داشت، اندیشہ تأمین مخارج و نفقات افراد خانوادہ او و اطعام خاندانہای بی بضاعت، ہر انسان متفکر را متحیر می سازد، بہ خصوص با برنامه ای کہ اکثر شہبا در پیش داشت و مواد خوراکی را بہ دوش می کشید و بر در خانہ نیازمندان رفتہ و آنان را اطعام می فرمود. در صورتی کہ پیرامون ارتباط او با بیت المال نوشتہ اند: «آخر روزہای پنجشنبہ پس از تقسیم بیت المال بہ مستحقین، فضای آن را شخصاً تمیز می کرد، سپس دو رکعت نماز می خواند و نماز را مورد خطاب قرار می داد و می گفت: روز قیامت گواہ باشید کہ من از بیت المال چیزی برای خود استفادہ نکردم»<sup>۳</sup>.

ثقفی در *غارات* نقل می کند: «روزی عقیل برادر مہتر علی(ع) در کوفہ بر او وارد گردید و سہم بیشتری از بیت المال تقاضا کرد، علی(ع) فرمود: تا جمعہ بمان، و روز جمعہ عقیل را ہمراہ خود بہ مسجد برد و ضمن اشارہ بہ جمعیت بسیاری کہ برای نماز آمادہ بودند گفت: بہ نظر شما از حق و سہم این جمعیت برداشتن چہ حکمی دارد؟ عقیل گفت: حکم آن خیانت است، علی(ع) فرمود: تو از من می خواهی مرتکب خیانت شوم؟ اگر بمانی تا از محصولات ینبع

۱. اعلام الوری، ص ۲۰۲.

۲. اعیان الشیعہ، ۳۲۶/۱.

۳. غارات، ۴۶/۱.



برای من بفرستند از آنها می‌توانم به شما کمک کنم. عقیل گفت: پس من به سوی معاویه خواهم رفت»<sup>۱</sup>.

ثقفی در عازرات و مجلسی در بحار می‌نویسند: «علی(ع) در دوران خلافت در کوفه به مردم آن دیار فرمود: من هنگام خروج از سرزمین شما به جز توشه و راحله و اشیاء شخصی که با خود همراه خواهم داشت چیزی با خود اگر ببرم خائن خواهم بود، حتی غله و دیگر مأكولات که به فقرا و مستمندان می‌داد، از درآمد شخصی خود بود».

خلاصه آنکه علی(ع) در زمان حیات خود و پس از رحلت پیامبر اکرم(ص) تا شهادت او آنچه از طریق ارتباط با اراضی ینیع و زمین‌هایی که با دست خود آباد فرموده بود و نخلستان‌هایی که در آن اراضی به وجود آورده بود در اداره خانواده‌های خود و دیگر خاندانهای بی‌بضاعت مصرف می‌کرد. حتی آنچه شبانه به صورت ناشناس به در خانه فقرا، مستمندان و ایتام می‌برد از درآمد اراضی بایری بود که با دست خود در آنها چاه حفر کرده و نخلستان به وجود آورده بود.

### وصیت مولی‌الموحدين علی بن ابیطالب(ع) پیرامون املاک خود در ینیع

علی(ع) پس از بازگشت از جنگ صفین، پیرامون املاک و اراضی خویش و تولیت آن به شرح ذیل وصیت فرمود:

#### الوصایا الاقتصادية

هذا ما أمر به عبدالله علی بن ابی طالب امیر المؤمنین فی ماله، ابتغاء وجه الله لیولج به الجنة و یعطیه به الامنه منها فانه یقوم بذلك الحسن بن علی یا کل منه بالمعروف و ینفق منه بالمعروف فان حدث بحسن حدث و حسین حی قام بالامر بعده و أصدره مصدره، و ان لابنی فاطمه من صدقه علی مثل الذی لبنی علی و انی انما جعلت القیام بذلك الی ابنتی فاطمه ابتغاء وجه الله و قربه الی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و تکریماً لحرمته و تشریفاً لوصلته.

#### ضروره حفظ الاموال

و یشرط علی الذی یجعل له الیه ان یترك المال علی اصوله و ینفق من ثمره حیث امر به و هدی له و الا یبیع من اولاد نخیل هذه القرى و ذیه حتی تشکل أرضها غراساً. و من كان من امائی اللاتی اطوف علیهن لها ولد اوهی حامل فتسک علی ولدها و هی من حظها فان مات ولدها و هی حیة فهي عتیقه قد أفرج عنها الرق و حررها العتق.



## شرح و توضیح وصیت اقتصادی علی(ع) پیرامون اموال شخصی خود

علی(ع) در سال (۳۷هـ) پس از بازگشت از جنگ صفین و ورود به کوفه پیرامون املاک و دارایی خود که شامل نخلستانها، مزارع و غیره می‌گردید و اکثراً در منطقه ینبع، فدک و وادی‌القری قرار داشت و همه را پس از رحلت پیامبراکرم(ص) با دست خود ایجاد کرده بود و نیز درباره کیفیت حفظ و مصرف محصولات و درآمدهای آنها وصیت فرمودند و چنانکه اشاره شد این وصیت‌نامه تحت عنوان وصیت اقتصادی و شماره ۲۴ در بخش نامه‌های نهج‌البلاغه به چاپ رسیده است. علی(ع) هنگام وصیت، از چند تن از شخصیت‌های مورد اعتماد دعوت فرمودند تا شاهد و گواه وصیت‌نامه خود باشند:

وصیت‌نامه اقتصادی پیرامون نحوه نگهداری و مصرف درآمد موقوفات و صدقات اعم از باغات، بساتین، نخلستانها و مزارع متعلق به اوست.

بسم الله الرحمن الرحيم

این وصیت‌نامه دستوری و فرمانی است که بنده خدا علی بن ابیطالب امیرمؤمنان درباره اموال و دارایی خود، برای خوشنودی خدا، داده است تا خداوند او را به بهشت برد و آسوده‌اش گرداند.

همانا تولیت و سرپرستی این اموال به عهده فرزندم حسن بن علی(ع) است. توصیه می‌کنم آنگونه که شایسته و رواست از آن اموال مصرف کند و از آن انفاق نماید. اگر برای حسن حادثه‌ای رخ داد و حسین در قید حیات و زنده بود، سرپرستی آن را پس از بردارش بر عهده گیرد و کار و راه او را تداوم بخشد. فرزندان از فاطمه(س) از این اموال به همان مقدار سهم دارند که دیگر فرزندان علی(ع) خواهند داشت، من سرپرستی اموال را به پسران فاطمه واگذاشتم تا خوشنودی خدا و نزدیک شدن به رسول خدا(ص) و بزرگداشت حرمت او و احترام پیوند خویشاوندی پیامبر(ص) را فراهم آورم.

### ضرورت حفظ اموال

با کسی که این اموال و تولیت آنها در دست اوست شرط می‌کنم که اصل مال را حفظ کرده و تنها از میوه و محصولات آنها استفاده کرده و انفاق کنند و هرگز نهال‌های درخت خرما را نفروشد تا همه این اراضی یکسان و یک‌پارچه به گونه‌ای زیر درختان خرما قرار گیرد و راه یافتن در آن دشوار باشد.

و زنان غیرعقدی (کنیزان) من که با آنها بوده‌ام و صاحب فرزند و یا باردار

می‌باشند پس از فرزند، اولاد خود را بگیرند که بهره آنان است و اگر فرزندش یا فرزندان‌شان بمیرند مادر آزاد است و کنیز بودن از او برداشته شود و آزادی خود را باز یابد.<sup>۱</sup>

علی(ع) در پایان وصیت خود، چند تن را بر آن گواه گرفتند که از جمله ابوشمر بن ابرهه، صعصعه بن صوحان، یزید بن قیس و هیاچ بن ابی هیاچ می‌باشند.<sup>۲</sup>

## حدود اختیارات امام حسن(ع) و امام حسین(ع) نسبت به محتوای وصیت‌نامه

به طوری که از محتویات وصیت‌نامه استنباط می‌شود حضرت علی(ع) به امام حسن و امام حسین(ع) اجازه داده است که در صورت بروز ضرورت و نیاز، بتوانند در املاک و صدقات تصرف کنند. به همین دلیل در دوران وصایت امام حسین(ع) حادثه‌ای رخ داد که سبب گردید که آن امام در اصل موقوفه تصرفی کنند. ابن شبه به نقل از کامل مبرد می‌نویسد: «در روزگاری که تولیت املاک موقوفه و صدقات حضرت علی(ع) در اراضی یبوع و دیگر مناطق به عهده ابوعبدالله حسین بن علی(ع) قرار داشت، نامه‌ای از سوی معاویه به دست مروان بن حکم که از طرف او حاکم مدینه بود، رسید. معاویه در آن نامه از مروان خواسته بود که به خاطر علاقه شدید نسبت به ارتباط با خاندان پیامبر(ص) از ام‌کلثوم دختر عبدالله بن جعفر طیار و زینب دختر فاطمه زهرا(س) برای فرزندش یزید خواستگاری کند و از نظر مهریه و صدقات مجاز است که هر چه پیشنهاد کنند بپذیرد و مورد قبول خواهد بود. مروان پدر دختر، عبدالله بن جعفر را احضار کرد و نامه معاویه را به آگاهی او رسانید. عبدالله بن جعفر گفت: در خانواده ما رسم بر آن است که در اینگونه مسائل با دایی دختر مشورت شود و پاسخ مثبت باید با تجویز او صورت گیرد و دایی ام‌کلثوم، حسین بن علی(ع) این ایام به منطقه یبوع رفته است، چند روزی مهلت دهید تا از سفر بازگردد تا نامه معاویه و خواست او را به آگاهی او برسانیم. مروان پاسخ عبدالله را پذیرفت و منتظر بازگشت دایی ام‌کلثوم گردید.

چون امام حسین(ع) از سفر خود به یبوع به مدینه بازگشت و از نامه و پیشنهاد معاویه آگاه گردید پیش از آنکه با مروان تماس بگیرد به خانه عبدالله بن جعفر رفت و به ام‌کلثوم خواهرزاده

۱. و دیه بر وزن فعل و به معنی نهال خرما است و منظور امام(ع) از جمله: «حتی تشکل ارضها غرابسا» که کلامی

است فصیح، یعنی زمین بر درخت باشد و چیزی جز درخت به چشم نیاید.

۲. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۸۷۷؛ دشتی ص ۵۰۳؛ تاریخ مدینه، ۲۱۹/۱.

خویش فرمود: قاسم بن محمد بن جعفر عموزاده تو از هر کسی به تو نزدیکتر و برای ازدواج از همه خواستگاران به خصوص از یزید بن معاویه شایسته‌تر است و چنانچه ثروت فراوان یزید تو را به او متمایل ساخته است، من با اختیاری که در تصرف املاک و مستغلات و صدقات پدرم دارم یکی از نخلستان‌های مطلوب در یبوع را به عنوان مهریه و صداق به او انتقال خواهم داد. ام‌کلثوم پیشنهاد دایی محترم خود امام حسین(ع) را پذیرفت و در همان زمان مراسم عقد و ازدواج او با قاسم، عموزاده او اجرا گردید. چون مروان بن حکم از این ازدواج آگاه گردید، در ملاقات با امام حسین(ع) به صورت اعتراض به او گفت: از شما انتظار اینگونه اقدامات را نداشتیم، امام(ع) در پاسخ او فرمود: اینگونه امور را از شما آموختیم، مروان انجام شبیه آن کار اظهار بی‌اطلاعی کرد ولی امام حسین(ع) فرمود: این شخص که در کنار شما نشسته است گواه است و سپس به او گفت: شما به مروان بگویید آیا فراموش کرده است که ما تصمیم داشتیم عایشه دختر عثمان بن عفان را به نکاح برادرم امام حسن(ع) درآوریم و شما شتابان او را به نکاح عبدالله زبیر درآوردید؟ مروان باز اظهار بی‌اطلاعی کرد ولی چنانکه اشاره شد امام حسین(ع) به محمد بن حاطب یعنی همان شخص که در کنار مروان نشسته بود روی کرد و فرمود: آیا ماجرای که بدان اشاره کردم درست است یا خیر و آیا شما به خاطر می‌آوردید که برادرم خود را برای ازدواج با دختر عثمان آماده ساخته بود و با دخالت مروان از آن ازدواج محروم گردید. محمد بن حاطب سخن امام حسین(ع) را مورد تأیید و تصدیق قرار داد.

در منابع و مآخذی که به این ماجرا پرداخته است، نخلستانی که امام حسین(ع) مهریه ام‌کلثوم قرار داده نخلستانی است که از چاه بغیغه آباد گردیده بود. این نخلستان از همان زمان در دست فرزندان و خاندان جعفر قرار داشت تا آنکه نخست آن را عبدالله بن جعفر به معاویه فروخت ولی بعدها از او بازپس گرفت و سپس در دست بنی هاشم افتاد و در عصر مأمون چون او از این ماجرا آگاه گردید گفت: چون این نخلستان جزء موقوفات و صدقات حضرت علی بن ابیطالب بوده، از تصرف احفاد عبدالله بن جعفر خارج گردانید و با دادن معوض به آنان، ضمیمه موقوفات و صدقات علی(ع) ساخت.<sup>۱</sup>

خلاصه آنکه پس از شهادت امیر مؤمنان(ع) دو فرزند او از زهرای مرضیه(س) بر موقوفات پدر خود تولیت و نظارت داشتند و طبق توصیه‌هایی که به آنان القاء گردیده بود عمل کردند، هم از درآمد و محصولات اراضی بر فقرا و نیازمندان بذل و بخشش کردند و هم طبق اجازه‌های که از سوی علی(ع) به آنان داده شده بود، زندگانی خود و خاندان خویش و مشکلاتی که پیش

۱. تاریخ مدینه، ۱/۲۲۲: عیان‌الشیبه، ۱/۴۳۴.



می‌آمد را حل می‌کردند. با توجه به این وصیت‌نامه و دقتی که علی(ع) در اموال بیت المال داشتند، تمام بذل و بخشش‌هایی که در زمان حیات علی(ع) و دو فرزند او صورت می‌گرفت از محصولات اراضی منطقه ینبع بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

زندگانی مولی‌الموحدين پس از رحلت پيامبر اکرم(ص) تا دوران خلافت او



## منابع و مأخذ

۱. شیخ مفید، اختصاص، تهران، مکتبه صدوق، ۱۳۷۹ ش.
۲. سید محسن امین، اعیان الشیعه، دارا المعارف، بیروت ۱۴۰۳ هـ.
۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، (د ۱۱۱۱ هـ)، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ هـ.
۴. ابوزیله عمر بن شبه، تاریخ مدینه منوره، دارالتراث، بیروت، ۱۴۱۰ هـ.
۵. حسین بن حسن جرجانی، تفسیر جلاء الذهان، تصحیح محدث ارموی، تهران، ۱۳۳۷ ش.
۶. ابن واضح یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، ۱۳۳۶ ش.
۷. ابن منظور، لسان العرب، دار صادر بیروت، بی تا.
۸. یاقوت حمودی، معجم البلدان، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۰ هـ.
۹. ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی، الغارات، تهران، بهمن ۱۳۵۴ ش.
۱۰. ابو الحسن علی بن حسین مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ هـ.
۱۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، ۱۳۷۹ ش.
۱۲. فیروزآبادی، قاموس المحيط، حرف «ی» و «ع».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی